

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال دهم- شماره سوم- پاییز ۱۳۹۶- شماره پیاپی ۳۷

بررسی سبک‌شناسی غزلیات رضاقلی‌خان هدایت

(ص ۱۶۹-۱۴۹)

نداپازاج^۱، عظامحمد رادمنش (نویسندهٔ مسئول)^۲، محمد ابراهیم ایرج پور^۳

تاریخ دریافت مقاله: بهار ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

در این مقاله، غزلیات رضاقلی‌خان هدایت با رویکرد سبک‌شناسی تحلیل شده است. چهارچوب منظور در این پژوهش بررسی سه سطح فکری، زبانی و ادبی اثر به روش توصیفی است. بر طبق این مؤلفه، هریک از سه سطح مذکور به زیرمجموعه‌هایی نیز تقسیم شده است. عشق و بیان خصوصیات عاشق و معشوق، نکوهش زهد و مبارزه با ریا و مباحث عرفانی سه مفهوم غالب در سطح فکری شاعر است که عمدتاً برگرفته از همان سبک عراقی و خراسانی است؛ هرچند میتوان انعکاس سبک وقوع و واسوخت را نیز در غزلیات او مشاهده کرد. زبان به واسطه جنبهٔ موسیقایی و حوزه‌های لغوی گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه سطح ادبی غزلیات را نشان میدهد؛ که تشبیه در غزلیات او بیشترین بسامد و مجاز کمترین بسامد را داراست.

کلمات کلیدی: رضاقلی‌خان هدایت، غزلیات، دورهٔ بازگشت، تحلیل سبکی.

۱- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
Dr.pazaj@yahoo.com

۲- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
radmanesh@pnu.iaum

۳- دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور.
irajpour20@yahoo.com

مقدمه

دوره زندگی رضاقلی‌خان هدایت درست در عهد قاجار (فتحعلی‌شاه - ناصرالدین‌شاه) سپری شد. انجمن سوم بازگشت (انجمن خاقان) در زمان فتحعلی‌شاه تنها مرکز ادبی زمان بود. وی به گردآوری شاعران در دربار و دایر کردن انجمنی باشکوه شاعرانه محمود غزنوی پرداخت. "در این انجمن وسیع، شاه، هراز گاهی غزلی از خود یا از شاعران قدیم چون عنصری، انوری، فرخی، حافظ، سعدی و ... آغاز میکند و خیل شاعران جدا جدا در گوشه‌ای مینشینند و در کار به پایان بردن شعر به اندیشه فرو میروند و در این میان هر شعر به شعر شاعران سرمشق، شبیه‌تر، سراینده‌تر و شاعرتر" (مکتب بازگشت، لنگرودی: ص ۱۸۳). بعد از مرگ فتحعلی‌شاه، محمدشاه به حکومت رسید. او چندان شاعرپرور نبود ولی ناصرالدین‌شاه، جانشین محمدشاه، شعر میگفت و درباری محمودی داشت. قریحه شاعری رضاقلی‌خان در چنین محیطی پرورش یافت و شعر او همچون شاعران هم عصرش به بازگشت گرایش پیدا کرد. هدایت در مورد چگونگی عبور از سبک هندی به سبک بازگشت در مجمع‌الفصحا، بحثی را مطرح میکند که بیانگر جانبداری این شاعر از بازگشت ادبی است.^۱ در این واکاوی غزل هدایت در سه سطح فکری، زبانی و ادبی مورد نقد و تحلیل قرار میگیرد.

پیشینه پژوهش

غزلیات رضاقلی‌خان هدایت تاکنون تصحیح و به چاپ نرسیده است؛ و نویسندگان به تصحیح غزلیات این شاعر که حدود ده‌هزار بیت است پرداخته‌ام. ابیات انتخابی در این مقاله بر اساس نسخه ۷۸۸۳ مجلس است.

در باب شرح زندگی و سلوک ادبی و سیاسی و عرفانی و تاریخی رضاقلی‌خان هدایت مقاله‌ها و کتابهایی به شرح زیر به نگارش درآمده است: کتاب "خاطرات و خطرات" اثر مخبرالسلطنه نواده رضاقلی‌خان هدایت، کتاب "روزنامه سفر خراسان" از علی‌نقی حکیم‌الممالک، کتاب "تحولات ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون" اثر احمد هاشمیان. در این آثار بطور مختصر به زندگی رضاقلی‌خان هدایت پرداخته شده است. مقدمه آثار هدایت و زندگی‌نامه‌های خودنوشت وی در آثارش زمینه‌های شناخت بهتر زندگی و آثار شاعر را فراهم میکند. مقاله "شناخت‌نامه هدایت" اثر محمدابراهیم ایرج‌پور، مجله "آئینه میراث" بهار و تابستان ۱۳۸۹، شماره ۴۶. در این مقاله به شرح احوال و آثار رضاقلی‌خان هدایت ادیب و مورخ بزرگ عصر قاجار پرداخته شده است و طبق گفته نویسنده برای اولین بار زندگینامه منقح و دقیقی از وی ارائه شده است؛ در این نوشتار کلیه آثار وی اعم از چاپی و خطی به نحو شایسته معرفی شده است، همچنین از ایشان مقاله‌ای با عنوان "طریقه طریقتی رضاقلی‌خان هدایت" در مجله "عرفان ایران" پاییز ۱۳۸۳ شماره ۲۱ به چاپ

رسیده است. مقاله "امیرکبیر و هدایت" اثر عباس اقبال، "مجله یادگار" در سال ۱۳۲۶ ش. در این مقاله به رابطه سیاسی که بین رضاعلی‌خان هدایت و امیرکبیر حاکم بوده است پرداخته میشود.

تجلی بازگشت در غزلیات هدایت

رضاعلی‌خان هدایت در ابیاتی از غزلیاتش اذعان میکند که شعر او پیروی از اشعار مولانا، سعدی، سنایی، و مسعود سعد و عمیق بخارایی است. سه اثر از آثار هدایت به مولانا و شعر او اختصاص دارد: ریاض‌المحبین (اشعاری از مولانا زینت‌بخش کتاب است)، شمس‌الحقایی (برگزیده‌ای از قصاید و غزلیات مولانا)، هدایت‌نامه (به پیروی از مولانا). وی در غزل خود نیز به شعر مولانا نظر داشته است^۱؛ او در بیتی به صراحت بیان میکند که شعر وی پیروی از شعر مولانا است:

غرض اقتفاست ما را به جلال دین هدایت سخنان مولوی را من اگر جواب گویم^۱
(۶۴۷/۸)

در بیتی با فخر فروشی شاعرانه خود را "مولوی ثانوی" معرفی میکند:

مولوی ثانویم بنده هدایت به سخن نی همه کس مولوی و نه همه هم بنده شود
(۴۶۳/۱۱)

هدایت مثنوی "بحر‌الحقایق" خود را بر وزن و سیاق حدیقه سنایی سروده است؛ وی در غزل نیز به این شاعر نظر داشته است؛ در بیتی هدایت معترف میشود که چون شعر سنایی را دیده، چنین غزلی را سروده است که در کتابها ماندگار است:

در شعر سنایی دید وین شعر هدایت گفت کاین نیز چو نظم او ماند به کتاب اندر
(۷۰۵/۶)

رضاعلی‌خان در بیتی غزلش را همچون غزلهای مولانا و سعدی میدانند و در قصیده خود را مانند مسعود سعد و عمیق بخارایی معرفی میکنند:

اندر غزل هدایت شمس و سعدی‌ای زان سان که در قصاید مسعود و عمیقی
(۵۹۹/۷)

هدایت در پاره‌ای از غزلیاتش، کل غزل شاعر را اقتباس کرده است و گاه در تک بیتهایی از شاعران پیشین بالأخص سبک عراقی پیروی کرده است. به عنوان مثال در غزلی، با ردیف "چه حاجت است" غزل حافظ را به ذهن متبادر میکند:

ما را به حور و کوثر و عقبی چه حاجت است زین نقدمان به نسیه فردا چه حاجت است
(۸۷۲/۱)

۱- برای مطالعه بیشتر در باب تأثیر مولانا بر عرفان دوره قاجار میتوان به مقاله "تأثیر مولانا در دانشنامه‌ای عرفانی از عهد قاجار" اثر محمدابراهیم ایرج‌پور، نامه انجمن، شماره ۳۱، مراجعه کرد.

خلوت گزیده را به تماشا چه حاجت است چون کوی دوست هست به صحرا چه حاجت است
(دیوان حافظ، غزل ۳۳)

رضاعلی‌خان هدایت گاه در تک بیتها از شاعران پیشین اقتفا میکند:

خنده و شادی است کار من که اندر وصل دوست می ندارم دوست این نالیدن جان سوز را
(۷۶/۳)

یادآور این بیت سعدی است، گویی در پاسخگویی به سعدی این بیت را سروده است:

دوست میدارم من این نالیدن دلسوز را تا به هر نوعی که باشد بگذرانم روز را
(کلیات سعدی، ص ۸۴۴)

گاه شعر هدایت در غزلیاتش از لحاظ مفهوم، با اندیشه‌ی شاعران سبک عراقی، همسانی دارد، از دید هدایت نیز چون سنایی^۱، آن کس که خدا را نخواهد و نبیند، چه خواهد و چه بیند.

یا رب دگر چه دید آن کو تو را ندید یا رب دگر چه خواست آن کو تو را خواست
(۶۶۱/۵)

هرکه نشیند از تو او چه شنید دیده‌ای که تو را ندید چه دید
(حدیقه الحقیقه، ص ۳۳۶)

رضاعلی‌خان هدایت در دیوان غزلیاتش شصت بار بطور مستقیم و غیرمستقیم از شاعران پیشین تبعیت کرده است؛ چه در قافیه و ردیف و آهنگ غزل و چه در معنا و مفهوم و مضمون غزل. وی از میان شاعران بیشتر به حافظ و سعدی نظر داشته است.

مکتب وقوع و واسوخت در غزلیات هدایت

رضاعلی‌خان هدایت در غزلیاتش بیشتر به بازگشت گرایش دارد ولیکن میتوان انعکاس وقوع و واسوخت را نیز در غزل او مشاهده کرد. "مکتب وقوع بیان کردن حالات عشق و عاشقی بر مبنای واقع است" (مکتب وقوع، احمد گلچین معانی: ص ۳). شاعران این سبک به این نکته اشاره داشتند که "شعرشان برخلاف اشعار عاشقانه‌ی شاعران عراقی (مکتب پیش از آنان) زمینی و واقعی است ... منظورش نه یک معشوق خیالی و فراانسانی و دست‌نیافتنی، بلکه دقیقاً معشوقی واقعی، هم‌ردیف خودش، و به قولی محبوبی بازاری است" (مکتب بازگشت، لنگرودی: صص ۳۴-۳۵). معشوق در بسیاری از غزلیات هدایت دست‌نیافتنی است ولی در شمار بسیاری از غزلیاتش معشوق زمینی و در دسترس است و این همان اتفاق مکتب وقوع است که در غزلیات هدایت انعکاس یافته است:

۱- هدایت در دیوان غزلیاتش در حاشیه‌ی غزلی ذیل کلمه "شب پرش" برای شاهد، بیتی از سنایی نقل کرده است که خود بیانگر مطالعه و تسلط شاعر بر دیوان سنایی است: صد روح در آویخته از دامن کرته/ صد روز برانگیخته از گوشه‌ی شب پوش (دیوان سنایی، ص ۳۶۶)

چو شب سرمست گردد نیم‌شب در یاد ما افتد
به تنهایی خرامد مست و آید در مکان ما
میان بگشاید و بر بستر افتد مست و آشفته
ولیکن جز کنار و بوسه نبود در کنار ما
(۱۶/۲-۳)

ولیکن قابل ذکر است که هدایت در پاره‌ای از غزلیاتش وصل معشوق را نایابتر از وصل عنقا میداند، همان معشوق سبک عراقی:

ای درد تو درمان جان شیدا
وی وصل تو نایابتر ز عنقا
(۱/۱)

معشوق در بسیاری از غزلیات هدایت جنبه کلی دارد و حتی زن و مرد بودن آن مشخص نیست به قول شفیعی کدکنی: "چهره کلی معشوق تقریباً میراث ادبی دوازده قرن پیش از این دوره را در خودش دارد" (ادوار شعر فارسی، کدکنی: صص ۲۴-۲۳).

حوری تو یا پری، بشری یا فرشته‌ای
کز هر چه در گمان گذرد زان گذشته‌ای
عقل مصوری تو و روح مجسمی
قلب منوری تو و نور سرشته‌ای
(۳۹۸/۱-۲)

«بر اساس ثبت فرهنگها "واسوخت" -به صورت مصدر مرخم- و "واسوختن" به معنی روی گرداندن و اعراض کردن است و در اصطلاح شاعران، گونه‌ای از وقوع گویی است و آن شعری است که مفهوم آن اعراض از معشوق باشد" (سبک‌شناسی شعر پارسی، غلامرضایی: ص ۲۳۰). هدایت گهگاه در غزلیاتی که معشوق، جنبه واقعی و زمینی و بازاری پیدا میکند، به واسوخت گرایش پیدا میکند:

از این پس خون نخواهد خورد دل در حسرت رویت
برو هر کس که می‌خواهد دلت بنشان به پهلویت
چرا باید که شبها تا سحر من در خیال تو
نهم سر بر سر زانوی و گیری سر به زانویت
(۰۹۱/۱-۲)

و در آخر غزل پایش را از رفتن به سوی معشوق از کار می‌اندازد:

هدایت را اگر دل بعد از این پیش کشد یارب
فتد از کار پایش تا نیارد آمدن سویت
(۰۹۱/۷)

۱- سطح فکری

کلام تجلیگاه جهان درونی نویسنده و طرز دریافتهای اوست و بطور خلاصه چنانکه امرسون میگوید سبک، صدای ذهن نویسنده است. (رک کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۱۸) بر این مبنا مفاهیم غالب در اشعار هدایت مورد بررسی و تحلیل قرار میگیرد.

۱-۱- موضوعات و مضامین غزلیات

جدول شماره ۱- بسامد مباحث فکری در غزلیات

| مدح پادشاهان (در ابیات پایانی غزل) | نکوهش زهد و مبارزه با ریا | عرفان | عشق | مباحث فکری |
|---------------------------------------|------------------------------|-------|-----|-------------|
| ۴۱ | ۶۱ | ۱۰۷ | ۹۲۴ | تعداد (غزل) |
| ۴٪ | ۵٪ | ۹٪ | ۸۲٪ | درصد |

۱-۱-۱ عشق

توصیف عشق و ذکر خصوصیات عاشق و معشوق از بارزترین مفاهیمی است که در غزلیات هدایت می‌توان به آن پرداخت. از مجموع ۱۱۳۳ غزل، ۹۲۴ غزل یعنی ۸۲٪ غزلیات در باب عشق است. امید و آرزوی وصال و شکایت از درد و غم هجران، ذکر مشکلات و مصائب راه عشق، نالیدن و خون جگر خوردن از دست رقیب، قهرمان‌پروری عاشق که آمادۀ هرگونه فداکاری در راه معشوق است از جمله مضامین مطرح شده در این بخش است. هدایت در غزلی به خصوصیات راه عشق می‌پردازد و آن را راهی بی‌پایان معرفی می‌کند:

این ره گم گشته پایانش نیست درد ما جز درد، درمانیش نیست
(۶۲۱/۱)

گاه از درد هجر فغان بر می‌آورد و رسیدن به معشوق را چون نوشیدن آب حیات میداند که قادر است ظلمات وجودش را به روشنایی بدل کند:

هجر ما را گشت و وصلش ناپدید ای خوش آن وصلی که هجرانیش نیست
چند جویم در سواد دل رخس ظلمت ما آب حیوانیش نیست
(۶۲۱/۲-۳)

هدایت در مواردی از طریق تنسیق صفات، صفات متعددی را برای معشوق بر می‌شمرد و خصوصیات ظاهری و باطنی او را به تصویر میکشد:

کافری، مردم‌کشی، سنگین دلی است دلبری، ساغرکشی، سیمین بری است
آتشین خویی، بهشتی، طلعتی است طرفه‌تر کاندرا بهشتش کوثری است
نکته قابل ذکر آن است که معشوق هدایت در بیست غزل او مذکر است:

خواهم شبکی با تو مست ای پسر افتادن در مستی و بی‌خویشی شب تا سحر افتادن
به هر حال آن‌چه در غزلیات هدایت به عنوان مضمون‌پردازی عشق می‌توان یافت چیزی جز تکرار مکررات نیست ولی به قول صائب: یک عمر می‌توان سخن از زلف یار گفت/در بند آن مباح که

مضمون نمانده است.

۲-۱-۱ عرفان

از میان ۳۳ اثر رضاعلی‌خان هدایت که بجای مانده‌است، محور بیش از ۱۰ تألیف مستقل وی مباحث عرفانی است، از آن جمله: ریاض العارفين، لطایف‌المعارف، مجمع‌الاسرار، دلیل السالکین، اصول‌الفصول فی حصول‌الوصول و ... از این رو موضوع عرفان و تصوف از جمله مفاهیم غالب در غزلیات هدایت است. وی در ۱۰۷ غزل به صورت مستقیم به مباحث عرفانی پرداخته است یعنی در ۹٪ کل غزلیاتش و این گذشته از غزل‌های متعددی است که هدایت به صورت غیرمستقیم به معشوق الهی اشاره میکند.

۱-۲-۱ توحید

یکی از مباحثی که در اشعار عرفانی هدایت مکرر به آن پرداخته شده، مقوله توحید است کس نبینیم ما به غیر از او وحده لا اله الا هو
مای ما نیز نفی باید کرد زانکه در وحدتش ننگجد مو
من نخواهم دگر به گفتن من او ببايد همی‌بگویم او
(۳۸۸/۱-۳)

به اعتقاد هدایت حقیقت واحد است و چون حق تجلی کرد، صورت‌ها و مظاهر متعدد شد ولی باز حقیقت یکی است:

در حقیقت به غیر آبی نیست گرچه آن قلمز آمد و این جو
(۴۸۸/۷)

← نیز: غزل ۱۷۹، غزل ۴۵۲، غزل ۶۳۶، غزل ۲۹۹/۷۵۴، ۴۶۳/۵، ۴۸۰/۷-۸، ۱/۷، ۳۳۷/۴۹۰.

۲-۱-۲ فنا

به قول بسیاری از عرفا و صوفیان، فنا از آخرین مراحل سیر و سلوک است. به اعتقاد این گروه، وجود مجازی سالک باید با ظهور وجود حقیقی محو و فانی گردد، عزالدین محمود کاشانی "فنا را نهایت سیر الی‌الله" میداند (مصباح‌الهدایه، عزالدین محمود کاشانی: ص ۴۲۶). یکی از مباحث عرفانی غالب در غزلیات هدایت بحث فناست به اعتقاد او در بازار حقیقت، هستی خریداری ندارد باید فانی شد تا از ساغر سرشار حقیقت نوشید:

سودای وصال ار طلبی مایه زیان کن هستی نستانند به بازار حقیقت
(۹۸۱/۷)

هدایت زندگی واقعی را در مرگ اختیاری میبیند:

ای هدایت زندگی در مرگ جوی خضر را آب زلالی بیش نیست
(۴۵۲/۷)

← نیز: ۱۸۵/۳، ۲۹۹/۱، ۳۱۰/۴، ۳۳۷/۶، ۶۸۴/۳ و ...

۳-۱-۱ شریعت، طریقت، حقیقت

به اعتقاد هدایت سالک باید از راه شریعت به طریقت سفر کند تا به قلّه حقیقت رسد:

از راه شریعت به طریقت سفری کن تا راه‌بری جانب دربار حقیقت
(۹۸۱/۸)

طریق معنی آن سالک بپیمود که نعلین شریعت زیب پا کرد
(۵۴۴/۶)

شاید به دلیل همین اعتقاد، هدایت نیز از مجلس درس ابوالقاسم خاموش تلمذ کرده‌است تا بتواند این مسیر را با هدایت و راهبری شیخی به پایان برساند. وی در بیتهی به این مجلس درس اشاره میکند:

دانی هدایت حرف من دارد چرا چندین اثر درس خموشی خوانده‌ام یک چند اندر مکتبی
(۴۵۹/۷)

که در حاشیه غزل به خط رضا قلی خان هدایت نوشته شده‌است: "کنایه از مجلس حضور میرزا ابوالقاسم خاموش"^۱.

۳-۱-۱ نکوهش زهد و زاهدان و مبارزه با ریا

رضاقلی خان هدایت در پاره‌ای از غزلیاتش به نکوهش زهد و مقابله با زاهدان و صوفیان و ریاکاران پرداخته است و ریا را مطرود میداند که همه این مفاهیم، تصویری از غزلیات حافظ را به ذهن متبادر میکند. از مجموع ۱۱۳۳ غزل، ۶۱ غزل یعنی ۵٪ غزلیات در نکوهش زهد و ریا و مقابله با زاهدان است. هدایت دل زاهد را از عشق بر کنار میداند و به اعتقاد او زاهد، ساحل سلامت و امن را به بحر عشق ترجیح میدهد:

زاهد و ساحل سلامت و امن ما و بحری که خود کنارش نیست
(۶۰۱/۲)

هدایت در جایی زاهد را مورد خطاب قرار میدهد و راه ریاکارانه او را به شدت به چالش میکشاند. به اعتقاد او شیوه رندان‌های که حافظ آن را میستود بسیار پسندیده‌تر است تا اخلاق زاهدانه که با رندی قابل جمع نیست اما به قول آقای خرمشاهی "با اخلاق آزادمنشانه و خوشباش قابل جمع است" (ذهن و زبان حافظ، خرمشاهی: ص ۲۱۲).

چه خواهی از من سرمست، زاهد مغرور من و شراب حرام و تو و شراب طهور
(۵۰۵/۱)

۱- میرزا ابوالقاسم شیرازی (متوفی ۱۲۹۳ق) از عالمان و بزرگان مشایخ شیراز در قرن سیزدهم هجری است و به دلیل اینکه سرحلقه خاموشان و مقصد خرقه‌پوشان بود و همواره زبانش از گفتن خاموش بود (کلیات دیوان، قانلی: صص ۴۹-۵۱) به خاموش شیرازی و یا سکوت شیرازی مشهور شد (فارسانامه ناصری، حسینی فسایی، ج ۲: صص ۱۱۳۷)

مخالفت با ریا:

طاعت و تقوی ما چون ز سر صدق نبود ترک گفتیم که سالوس و ریا زحمت ماست
(۴۸۱/۵)

← نیز غزل ۱۰۵، غزل ۱۱۸، غزل ۲۲۳، غزل ۲۸۳، غزل ۶۲۲، ۵/۱۸۹، ۲/۱۹۳، ۹/۲۰۵ و ...

۴-۱-۱ مدح و ستایش پادشاهان

رضاقلی خان هدایت شاعری درباری است و از جانب فتحعلی شاه به لقب "خانی" و "امیرالشعرایی" نائل می‌شود همین امر سبب شده است که در ابیات پایانی ۴۱ غزل، یعنی ۴۰٪ از کل غزلیات به مدح شاهان و بزرگان دربار قاجار پرداخته است. مدح محمدشاه، ناصرالدین شاه، فخرالدین حاجی میرزا آقاسی ایروانی (وزیر سلطان محمدشاه غازی)، شاپور، فتحعلی شاه، سلطان مظفر (ولیعهد ناصرالدین شاه)، حاج محمدحسن نایینی، البته بیشتر از همه به مدح محمدشاه پرداخته است. شاهنشاه بزرگ محمد شه سترگ کاو را ز حق به خلق به معنی رسالت است جز خدمت شهنشاه و فرزند او مرا از هر چه شغل و کار به گیتی ملالت است
(۰۲۲/۸-۹)

۲-۱ کاربرد اصطلاحات علمی

رضاقلی خان هدایت نویسنده‌ای تک بعدی با فعالیت‌های محدود نبوده است. نگاهی دقیق به تألیفات او از نظم و نثر نشان می‌دهد که او در زمینه‌های تاریخ، تصوف، تذکره نویسی، فرهنگ لغت، سفرنامه و سرودن اشعار در حجم بالا دستی توانا داشته است. انعکاس این اطلاعات را میتوان در بکارگیری اصطلاحات علمی در غزلیاتش مشاهده کرد. هدایت در بیتی به دانش خود فخر میکند:

ما ز دانش زبده آفاق و خلق در گمان بد که ما دیوانه‌ایم
(۴۷۶/۳)

خلقمان دیوانه دانند ای عجب ما هدایت زیرک و فرزانه‌ایم
(۴۷۶/۹)

جدول شماره ۲- بسامد اصطلاحات علمی در غزلیات

| علوم | عرفانی | نقلی | عقلی | نجوم | موسیقی | طب |
|-------|--------|------|------|------|--------|----|
| تعداد | ۰۵۱ | ۶۳۱ | ۴۴ | ۲۳ | ۵۲ | ۱۲ |
| درصد | ٪۷۳ | ٪۳۳ | ٪۱۱ | ٪۸ | ٪۶ | ٪۵ |

۱-۲-۱ اصطلاحات عرفانی

چله (۴/۶)، حقیقت (۵۹۶/۱۶)، طربقت (۸/۱۸۹)، حال (۸/۲۵۴)، وحدت (۵/۲۳۹)، تلوین، تمکین (۶/۲۴۴) و ...

ای طالب ذوق و حال و تدقیق تقلید مکن، بجوی تحقیق
(۶۸۵/۱)

۱-۲-۲ اصطلاحات علوم نقلی

صیام (۴۶۲/۱)، عرفات (۲۱۵/۷)، اخبار و حدیث (۲۸۰/۷)، سجود و رکوع (۵/۵۷۶)، نص و منصوص (۵/۵۶۶) و ...

همچو صایم که طلبکار هلال شوال چشم بگشاده پی آن خم ابرو بودیم
(۷۹۷/۵)

۱-۲-۳ اصطلاحات علوم عقلی

اعیان (۶۷۹/۶)، ذات (۵۹۱/۶)، وجود (۳۳۷/۱ و ۵۹۱/۲)، قدیم و حادث (۲۷۹/۱) و ...

ما را ز هر دو کون تو مقصودی و غرض تو اصلی و تو جوهر و ما فرع و ما عرض
(۹۶۵/۱)

۱-۲-۴ اصطلاحات نجومی

کلب (۱۷۴/۳)، غره و سلخ (۲۸۸/۵)، قمر در عقرب (۲/۳۴۳ و ۵/۲۸۹)، شعری (۳/۳۲۹)، محاق (۲/۵۸۳) و ...

بر سنبله و قوسش حیرت زده و واله بر زهره و پروینش سرگرم نظر بودم
(۰۴۷/۲)

۱-۲-۵ اصطلاحات موسیقی

دستان (۱۱/۲۱ و ۹/۸۱۱)، پرده (۳/۳۸۰ و ۶/۳۷۵)، عود (۵/۶۴۷)، نغمه (۸/۷۰۹)، راه (۴/۷۷۰)، مضراب (۳/۱۰۱۷) و ...

دم به دم پیش هدایت چه زنی راه حجاز مطربا خیز و قدم نه به ره عشاقی
(۵۶۳/۷)

۱-۲-۶ اصطلاحات طبّی

مفرح (۲/۳۷)، کحل (۵/۴۳۲ و ۷/۳۷)، تریاق (۴/۳۵۴ و ۲/۱۰۱۴)، ناسور (۱/۸۲۴) و ...

به هیچ کحل و توتیا رمد نیابدم شفا بود دوا، دهد ضیا به دیده توتیای من
(۷۶۸/۷)

۲. سطح زبانی

سطح زبانی در سه سطح قابل بررسی است: ۱. سطح آوایی ۲. سطح لغوی ۳. سطح نحوی.

۱-۲-سطح آوایی

"موسیقی شعر در هر دوره‌ای مبتنی بر موسیقی جملات و کلام همان عصر است" (آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا: ص ۱۱). شعر دوره بازگشت به لحاظ موسیقی هیچگونه تشخیصی ندارد و شاعر در هزارو صدوسی و سه‌غزلی که سروده است هیچگونه تغییری در حوزه موسیقی عروضی شعر و نه در هنجارها و فرمهای مکرر عروض حاکم بر شعر شاعران سده ششم تا هشتم اعمال نکرده است و همه باز هم تکرار همان آوای سبک عراقی است. در شعر هدایت تکرار و جناس دو ویژگی است که در بررسی سطح آوایی به آنها اشاره میشود.

۱-۱-۲-تکرار

۱-۱-۱-۲-هم حروفی (تکرار صامت‌ها)

این نوع تکرار که از راه تشابه و تکرار صامتها حاصل شده است، آهنگی تولید میکند که استواری و انسجام و مبانی جمال‌شناسی بسیاری از شاهکارهای ادبی در آن نهفته است" (ر.ک: موسیقی شعر، شفیع کدکنی: ص ۳۹۲). بسامد نسبتاً بالای این ویژگی یکی از عوامل ایجاد موسیقی در شعر هدایت است. او این ویژگی را طوری در زبان خود درج کرده که به طبیعت و روانی آن لطمه نزند.

تکرار "ش"

هر روز پریشانترم از زلف تو در جمع تا کی لب شیرین تو شورم بنشانند
(۱۳۳/۲)

← نیز: ۱۶۳/۷، ۱۷۱/۴، ۱۸۸/۴، ۲۳۷/۶، ۳۴۵/۱، ۸۵۶/۳، ۱۰۳۵/۲ و ...

۱-۱-۲-تکرار واژه

تکرار واژه اگر بتواند علاوه بر افزایش موسیقی، نقش تأکیدی و معنا‌افزایی داشته باشد ارزش هنری دارد و گر نه چیزی جز ملال‌برای مخاطب نخواهد داشت.

میان ما نیاز و ناز پنهانی است پی در پی تو ناز آری و دل اندر بر نازت نیاز آرد
(۰۳۴/۳)

شد رام دمی با من و رم کردز آهی آه از دلم ار آه دلم را اثر این است
(۹۹۱/۲)

← و نیز ۲۱۱/۸، ۲۹۶/۶، ۳۲۷/۴، ۳۴۱/۶، ۴۱۳/۵ و ...

۱-۱-۲-۲-دال‌العجز الی الصدر:

هدایت غیر عشق و عاشقی چیست اگر در دهر علمی یا کمالی است
کمال و علمی ار زینها نکوتر مدیح پادشاهی بی همال است
(۴۶۲/۷-۸)

۲-۱-۲-۲-۲-۲ طرد و عکس

هرجا که بی‌توام من و هرجا که با منی گلشن بود چو گلخن و گلخن چو گلشن است
(۱۳۱/۵)

←نیز: ۱۱/۷، ۵۰/۴، ۱۳۱/۵، ۵۵۹/۷.

۲-۱-۲-۲-۱ جناس

روش جناس یکی دیگر از روشهایی است که در سطح کلمات یا جملات، هماهنگی و موسیقی به وجود می‌آورد و یا موسیقی کلام را افزون میکند. از میان انواع جناس در غزلیات هدایت، جناس تام دارای بسامد بالایی است. هرچند این تکرارواژه بیشتر سبب افزایش موسیقی معنوی شعر میشود.

۲-۱-۲-۲-۱-۱ جناس تام

مقام نغمه مطرب فکنده شور بجانم زیاد آن که به جز دل ننگجد او به مقامی
(۳۸۰۱/۲)

"مقام" در ابتدای بیت به پرده سرود گویند و "مقام" در آخر بیت به معنی جایگاه آمده است، البته در این بیت از صنعت ردالصدر الی العجز نیز نباید غافل بود.

شراب در سر و مرغول شاهد اندر دست کجاست مرغ سحرخوان که برکشد مرغول
(۵۹۵/۵)

"مرغول" در مصراع اول به معنی "موی پیچیده" (لغت‌نامه دهخدا) و در مصراع دوم به معنی "تحریر و پیچش نغمه و آواز. آواز مطربان و خوانندگان و مرغان را بدین سبب مرغول و مرغوله خوانند" (برهان قاطع). ←نیز: ۱۵۷/۲، ۲۳۶/۶، ۳۳۰/۵، ۵۲۷/۳، ۷۹۶/۲، ۸۲۹/۱۱، ۱۱۰۴/۵ و ۱۱۲۵/۲

۲-۱-۲-۲-۲-۲ مرکب

چند این سرکشی ای شمع که پروانه صفت سوخت جانها ز تو وز هیچکست پروانه
(۹۸۸/۶)

"پروانه" در مصراع اول بسیط و "پروانه" در مصراع دوم مرکب است.

۲-۱-۲-۳-۳ لاحق

گر نَفْحَه وصل او نباشد کی زنده شوم به نَفْحَه صور
(۴۹۴/۴)

۲-۱-۲-۴-۴ جناس مضارع

هرکه در بند کسی پند نگیرد به نصیحت هرکه مفتون بتی ترک نگوید به ملامت
(۱۰۲/۲)

۵-۲-۱-۲ جناس اشتقاق و شبه اشتقاق

* جناس اشتقاق:

وصل یکی لحظه و عمری فراق
خمیر یکی جرعه و بحری خمار
(۷۹۴/۳)

* جناس شبه‌اشتقاق:

با فراق تو ندیمم من و عهدی است قدیمم
که هدایت ز ندیمیت مرا نیست ندامت
(۱۰۲/۹)

۶-۲-۱-۲ جناس اشتقاق یا اقتضاب

ای سر زلفت چو مار وی خط سبزت چو مور
چند فروبسته‌ای پسته ضحاک را
(۲۱/۶)

۷-۲-۱-۲ جناس ناقص (محرف)

درمان درد ما را درد شراب باید
آباد چون نگردیم باری خراب باید
(۰۳۳/۱)

۲-۲ سطح لغوی

هدایت طیف وسیعی از مفردات اعم واژگان عامیانه و کلمات عربی را در غزلیات بکار برده است که در سطح لغوی بررسی میشود.

۱-۲-۲ لغات عامیانه

واژه‌های عامیانه بازتاب اندکی در غزل هدایت دارد. وجود اسامی خوراکیها مانند: مفرح: (۳۷/۲) دوایی که فرح آرد (لغت‌نامه دهخدا) دقیق: (۳۷۷/۵) آرد (همان) جدوار: (۷۷۹/۶) گویند خوردن آن دفع زهرمار و عقرب کند (برهان قاطع). اسامی خاص حیوانات مانند: شب‌آویز: (۷۶۷/۱۴) مرغی که به شب خود را به یک پای آویزد و حق‌گویند (لغت‌نامه دهخدا) خشین: (۶۹۸/۳) نوعی باز (همان). نام ابزار و وسایل مانند: انگله: (۴/۷) گوی گریبان (برهان قاطع) کدو: (۳۸۶/۶) کوزه شراب را گویند (لغت‌نامه دهخدا) عیبه: (۳۶۴/۷) جامه‌دان (همان) سجوف: (۶/۳۶۲) ج سجف به معنی پرده (همان) نام مخدرات مانند: بنگ: (۳۸۶/۲) حشیش (فرهنگ فارسی معین) افیون: (۳۵۴/۴) تریاک. کاربرد خاص واژه به صورت عامیانه: اندککی (۸۱۰/۹) پرن: (۷۴۳/۹) پروین، ثریا (برهان قاطع). بازیها مانند: طاق و جفت: (۷۲۸/۱)

۲-۲-۲ واژه‌های عربی

بسامد لغات عربی در غزلیات هدایت به اقتضای موضوع: حمد و مناجات خداوند، تلمیح به آیات و احادیث، بیان مباحث عرفانی و گاه کلامی اجتناب‌ناپذیر است: صمد (۳۷۵/۵)

صباح‌ت (۳۴۵/۱) راح (۳۴۵/۱) قباح‌ت (۳۴۵/۶) سبج‌ه (۳۳۶/۷) روح و ریحان (۷۴۷/۲) محموم (۷۴۲/۲) محرور (۷۴۲/۳) عاذل (۷۳۹/۸) نذیر (۷۰۲/۱) سعیر (۳/۷۰۲)

۲-۳ سطح نحوی

نحو یعنی طرز قرار گرفتن اجزای جمله، وقتی اجزای جمله را پس و پیش کنیم، درست است که ممکن است معنی کلی جمله تغییر نکند، ولی مسلماً تأثیر بلاغی جمله دگرگون خواهد شد (ر.ک: ادوار شعر فارسی، شفیعی کدکنی). "نحو زبان شعر دوره بازگشت همان نحو زبان شعر دوره غزنوی و سلجوقی است. شاعران این دوره ساختهای از پیش آماده‌ی نحو زبان سلجوقی و غزنوی را بی‌آنکه درباره آنها کوچکترین تأملی داشته باشند، در حافظه خود انبار کرده‌اند و عیناً تقلید میکنند" (همان: ص ۳۰). غزلیات هدایت نیز از قاعده نحوی دوره بازگشت مستثنی نیست. اجزای جمله در این قالب شعری با اسلوب طبیعی زبان (فاعل و مفعول و فعل) منطبق نیست؛ ولیکن معمولاً اجزای اصلی جمله ذکر شده است و برخی حذفها و جابجایی‌ها در اجزای جملات طوری نیست که به تعقید بیانجامد.

۲-۳ سطح ادبی

جدول شماره ۳-۳- بسامد سطح ادبی در غزلیات

| سطح ادبی | تشبیه | استعاره | کنایه | مجاز |
|----------|-------|---------|-------|------|
| تعداد | ۰۲۵۲ | ۵۸۹ | ۲۰۴ | ۸۱۱ |
| درصد | ٪۳۶ | ٪۴۲ | ٪۰۱ | ٪۳ |

۲-۳-۱ تشبیه

تشبیه یکی از پر بسامدترین مختصات ادبی غزلیات هدایت است و همین امر وی را به عنوان شاعری تصویر‌گرا معرفی میکند. "تشبیه مناسبترین روش برای مقصودی است که ذهن و نگرش سنتی از شعر و تصویر شعری می‌طلبد و تشبیه بهترین ابزار برای بیان محاکات و تقلید از طبیعت و حقیقت‌نمایی است" (بلاغت تصویر فتوحی: ص ۸۹). هدایت در غزلیات خود مجموعاً ۲۵۲۰ تشبیه؛ یعنی ۶۳ درصد تشبیه بکار برده است. از این تعداد، ۱۴۶۲ تشبیه؛ یعنی ۵۸ درصد، تشبیهات حسی به حسی است، که بیانگر دیدگاه حسی و طبیعت‌گرای شاعر است. هدایت آنگاه که به بیان مبانی اعتقادی خود می‌پردازد از تشبیهات عقلی به حسی استفاده میکند؛ ۸۸۴ تشبیه؛ یعنی ۳۵ درصد تشبیهات عقلی به حسی است و تشبیهات حسی به عقلی و عقلی به عقلی با بسامد پایین بکار رفته است.

جدول شماره ۴- بسامد انواع تشبیه در غزلیات

| تشبیه | بلیغ | غیربلیغ | تفضیل | مرکب | مفروق | مضمّر | مشروط | تسویه | جمع | ملفوف |
|-------|------|---------|-------|------|-------|-------|-------|-------|-----|-------|
| تعداد | ۶۷۳۱ | ۱۶۲ | ۳۹۱ | ۶۷۱ | ۸۵۱ | ۲۵۱ | ۲۶ | ۲۶ | ۷۵ | ۲۲ |
| درصد | ٪۴۵ | ٪۰۱ | ٪۰۸ | ٪۰۷ | ٪۰۶ | ٪۰۶ | ٪۰۲ | ٪۰۲ | ٪۰۲ | ٪۰۱ |

۱-۳-۲ تشبیه بلیغ

تشبیه بلیغ بالاخص تشبیه بلیغ اضافی، با بسامد بالا در غزلیات هدایت بکار رفته است. این ترکیبات یادآور همان اضافه‌های تشبیهی سبک عراقی و خراسانی است. ترکیباتی چون: تیرنگه (۱۸۰/۳) چاه زرخدان (۱۷۴/۶) شمع رخ (۳۶۱/۵) زنگار خط (۳۴۶/۱) لاله‌رو (۳۴۶/۱) سنبل خط (۵۷۴/۱) مرغ دل (۷۹۵/۳) قاف قرب (۸۰۹/۳) چوگان غم (۹۲۵/۷) گوی دل (۹۲۵/۷).

***نوآوریهای هدایت در تشبیه سازی:** هرچند هدایت را نمیتوان به عنوان شاعری خلاق در ساخت تشبیهات بدیع دانست؛ ولیکن گاه تصویرسازیهای نو و بی‌بدیل در غزلیاتش دیده میشود.

فدای گلشن رخسار و چشمهٔ دهننت که راستی چو بهشتی است کوثرش به وسط
(۴۷۵/۳)

در این بیت هرچند اضافهٔ تشبیهی "گلشن رخسار" و "چشمهٔ دهن" چندان خلاقانه نیست ولی شاعر با آوردن مصراع دوم تصویر جدیدی خلق کرده است.

زال، عقل توست و رویین تن هوا، وان بر توچیر گرز رویین تن ستوهی مشورت با زال کن
نفس دجال است و جان مهدی و دجالت فریفت گرز به مهدی صلح جوئی جنگ با دجال کن
(۹۰۸/۴-۵)

هدایت در این ابیات با بکارگیری تشبیه بلیغ اسنادی تصویرسازی زیبایی ارائه داده است. تشبیه عقل به زال از حیث تدبیر و ارشاد و هوای نفس به پهلوان رویین تن که بر وجود چیره و مسلط است، همچنین تشبیه نفس به لحاظ خباثت به دجال و جان به حضرت مهدی (عج) تصویر خیالی زیبایی از رویارویی حق و باطل است.

۲-۳-۱-۲ تشبیه تفضیل

خوار سازد روی گلرویان گل گلزار را خاصه چون بر گل پریشان شاخ سنبل میکند
(۳۲۴/۶)

← نیز: ۱/۱، ۴۲/۹، ۵۹/۱، ۸۸/۲، ۱۰۲/۵، ۱/۱۲۸، ۶/۱۴۲، ۴/۱۵۰، ۱/۱۶۶، ۶/۲۵۰، ۳/۵۷۴، ۲/۸۷۰ و ...

۲-۳-۱-۳ تشبیه مرکب

به روی لعل جان بخشش یکی خال چو هندوییی کنار آب حیوان
(۶۳۸/۵)

بر آن دنبال چشم آن خال هندو چو صیادی است در دنبال آهو
(۹۶۸/۱)

← نیز: ۶/۳، ۳۹/۲، ۱۱۵/۳، ۵۰۳/۵، ۸۶۹/۲، ۹۸۱/۷، ۹۹۴/۴، ۱۰۳۰/۴ و ...

۲-۳-۱-۴ تشبیه مفروق

گیسوست یا کمند، غمزه است یا خدنگ ابروست یا کمان، بالاست یا بلاست
(۶۶۱/۲)

← نیز: ۱/۹، ۳/۳، ۱۲/۶، ۴۲/۸، ۵۱/۳، ۸۹/۲، ۹۴/۶، ۱۲۷/۸، ۱۵۰/۲ و ...

۲-۳-۱-۵ تشبیه مضمّر

هدایت از این شیوه تشبیه برای بیان ابتکار و نوآوری ذهن خود در تصویرسازی بهره برده است.

به روزگار من و طره تو میماند مکن ملامتم ار همدم به بخت سیاه
(۴۹۸/۴)

"بخت سیاه" را به روزگار خود و طره یار مانند کرده است با وجه شبه سیاهی: خواننده برای دریافت مشبه و مشبه‌به نیاز به تلاش ذهنی بیشتری دارد و همین جستجو لذت دریافت را دو چندان میکند.

← نیز: ۳/۷، ۳/۲۳، ۳/۳۲، ۲/۵۷، ۴/۸۷، ۱/۱۰۶، ۲/۱۵۸، ۵/۱۹۸، ۲/۶۵۷، ۳/۴۱۲، ۶/۴۴۶، ۴/۷۴۱ و ...

۳-۱-۶ تشبیه مشروط

به جمال و قدر ماهی و ز سرو و بس نکوتر که تو مهر نور پاشی و تو سرو و جامه پوشی
(۸۵۰/۴)

← نیز: ۱۴۴/۳، ۱۵۰/۴، ۱۵۳/۶، ۱۵۵/۵، ۱۷۳/۲، ۱۹۸/۴ و ...

۲-۳-۱-۷ تشبیه تسویه

دندان توست و فکرت من درّی که چو آن نمیتوان سف
(۱۶۱/۵)

← نیز: ۴۸/۱۰، ۷۴/۴، ۱۴۶/۵، ۱۵۱/۱، ۱۶۱/۴، ۱۸۲/۱ و ...

۸-۱-۳ تشبیه جمع

گاه شب، گاهی شبه، گه مشک و گه عنبر شوند این سیه‌کاری نگر کان زلف و کاکل میکند
(۳۲۴/۷)

← نیز: ۴/۳، ۱۱/۱۰، ۲/۱۴۹، ۵/۱۵۴، ۶/۱۶۶، ۴/۱۸۳، ۸/۳۲۲، ۱۰/۸۹۶ و ...

۹-۱-۳ تشبیه ملفوف

روی و برش نموده در سرخی و لطافت این یک چو لعل سوده وان یک چو سیم ساده
(۷۱۹/۳)

← نیز: ۸/۹۷، ۷/۹۴، ۷/۱۱۹، ۲/۱۳۳، ۳/۳۴۳، ۲/۳۷۳، ۳/۴۳۹، ۴/۴۶۹، ۲/۸۴۸، ۳/۸۹۸ و ...

۲-۳-۲ استعاره

هدایت در غزلیاتش بیشتر استعاره مصرحه بکار برده است تا مکنیه. این شاعر در غزل خود مجموعاً ۹۸۵؛ یعنی ۲۴ درصد استعاره بکار برده است؛ که ۸۵۵؛ یعنی ۸۷ درصد استعاره مصرحه و ۱۳۰؛ یعنی ۱۳ درصد استعاره مکنیه است.

*نوآوریهای هدایت در ساخت استعاره: تصویرهایی که از طریق استعاره در غزلیات هدایت ساخته میشود همان استعاره‌های قرن ۶ تا ۸ ق را به ذهن متبادر میکند ولی شعر او از استعاره‌های نو و بدیع نیز برکنار نیست. هدایت در غزلی برای بیان رویش مو بر گرد رخسار بار چندین بار از استعاره مصرحه بهره برده است:

گر لاله هویدا شود از معدن زنگار از لاله شگفتا ز چه زنگار برآمد
(۲۳۳/۲)

بر گرد گل نسرين گویی که نشانی از غالیه وز ناقه تاتار برآید
(۲۳۳/۵)

بر صفحه سیمینی بس دلکش و زیبا خوش دایره‌ای از خط پرگار برآمد
(۲۳۳/۶)

در اینجا است که میتوان به فضیلت استعاره پی برد "که در هر لحظه میتواند بر قامت سخن، جامه نو بپوشاند و از تکرار ملال آور آن جلوگیری کند" (همان: ص ۹۳).

← نیز: ۱۴۴/۶، ۱۵۳/۲، ۲۸۹/۵، ۲ و ۳۴۳/۱، ۱/۴۴۶، ۲/۶۲۰، ۳/۸۴۸ و ...

از میان انواع استعاره "تشخیص" نیز در غزلیات هدایت بازتاب ویژه‌ای دارد:

رو عشق طلب کن که به سرپنجهٔ فکرت ننگشوده کسی پرده ز رخسار حقیقت
(۹۸۱/۲)

به هر تاری ز زلفی هست در پای دلم قیدی از این شهر ای هدایت کی شود ممکن سفر ما را
(۹۷/۹)

← نیز: ۱/۷، ۲/۳، ۴/۴، ۲۳/۱۵، ۳۴/۴، ۳۶/۴، ۳/۳۷، ۵/۵۱، ۵/۸۷، ۴/۱۱۵، ۱۴۶/۵، ۱۸۲/۳ و ...

۳-۳-۲ کنایه

در غزلیات هدایت ۴۰۲؛ یعنی ۱۰ درصد کنایه بکار رفته‌است که از این تعداد ۳۸۵؛ یعنی ۹۶ درصد کنایه از فعل یا مصدر و ۱۷؛ یعنی ۴ درصد کنایه از موصوف بکار رفته‌است.

۳-۳-۱-۲ کنایه از فعل یا مصدر

عاشق آن باشد که چون در پای دلبر سر گذارد گر به خواری دشمنش گردن زند گردن نخارد
(۴۹۳/۱)

“گردن خاریدن” کنایه از ملاحظه و دفع الوقت کردن (لغت‌نامه دهخدا).

چه سود ار تیر آهم بر دل آن شوخ شنگ آید پس از عمری که تیری افکنم آن هم به سنگ آید
(۵۳۳/۱)

“تیر به سنگ خوردن” کنایه از به مقصود نرسیدن و ناامید شدن (همان).

← نیز: ۴۴/۳، ۵۴/۴، ۱۰۲/۸، ۱۸۷/۸، ۲۹۸/۱، ۴۵۶/۷، ۱۲۴/۴ و ...

۳-۳-۲-۲ کنایه از موصوف

هدایت در غزلیاتش برای وصف شراب کنایه‌های گوناگونی بکار برده است: “دختر رز، خون دل تاک، آتش‌تر”.

دختر رز طرفه شوخی دلبر است باید آوردش دمام در نکاح
(۶۸۲/۴)

از خون دل شیران مست است دو آهویت حاشا که دهد مستی این خون دل تاکت
(۵۴۱/۵)

سرد شد هوا ساقی خیز و آتشی بر تن آب خشک را پیش آر پُر ز آتش تر کن
(۲۵۸/۱)

۳-۳-۴ مجاز

مجاز بکار رفته در دیوان غزلیات هدایت بیشتر از نوع مجاز به علاقهٔ مشابَهت (استعاره) است و مجاز مرسل نمود کمتری دارد. این شاعر در غزل خود مجموعاً ۱۱۸؛ یعنی ۳ درصد مجاز بکار برده‌است. از بین اقسام مجاز به اعتبار علاقه، مجاز به علاقهٔ حال و محل با ۴۷ درصد و پس از آن مجاز به علاقهٔ جز و کل با ۲۹ درصد و مجاز به علاقهٔ خاص و عام با

۱۹ درصد بالاترین درصد کاربرد را در میان مجازهای بکار رفته در غزلیات هدایت به خود اختصاص داده‌اند.

سَر یک تن تو نداری و عجیتر که به عشقت هر کسی خرم و خوشدل که تو جانانه مایی
(۴۸۰۱/۲)

جان و دل کاش نمی‌بود هدایت ز ازل کاین دو اندر ره حق لات و منات است مرا
(۷۱/۷)

نتیجه‌گیری

دوره زندگی رضاقلی خان هدایت درست در عهد قاجار سپری شد و انجمن سوم بازگشت (انجمن خاقان) در زمان فتحعلی شاه به عنوان تنها مرکز ادبی زمان بود. قریحه شاعری رضاقلی خان در چنین محیطی پرورش یافت و شعر او همچون شاعران هم عصرش به بازگشت گرایش دارد؛ هرچند میتوان انعکاس سبک وقوع و واسوخت را نیز در غزلیات او مشاهده کرد. عشق یکی از مفاهیمی است که در سطح فکری شاعر دارای بسامد بالایی است و ۸۲ درصد غزلیات در باب عشق است. معشوق در بعضی از تصاویر کاملاً زمینی و در دسترس است (سبک وقوع) و گاه تصویر معشوق جنبه کلیتری پیدا میکند که یادآور همان معشوق آسمانی سبک عراقی است. مباحث عرفانی تجلی آشکاری در غزلیات او دارد. هدایت در ۱۰۷ غزل؛ یعنی ۹ درصد به صورت مستقیم به مباحث عرفانی پرداخته است. نكوهش زهد و مبارزه با ریا یکی دیگر از مفاهیم بکاررفته در غزل هدایت است؛ ۵ درصد غزلیات به این موضوع اختصاص دارد که تصویری از شیوه رندانه حافظ را به ذهن متبادر میکند. سطح زبانی غزلیات در بخش آوایی با دو مؤلفه تکرار و جناس شکل میگیرد و لغات عامیانه هرچند بازتاب اندکی در غزل هدایت دارد ولی به زبان وی تشخص و ویژگی متمایزی داده است. زبان هدایت از قاعده نحوی دوره بازگشت مستثنی نیست و اجزای جمله در این قالب شعری با اسلوب طبیعی زبان منطبق نیست، ولیکن معمولاً اجزای اصلی جمله ذکر شده است و برخی حذفها و جابجاییها در اجزای جملات طوری نیست که به تعقید بینجامد. در سطح ادبی تشبیه، یکی از پر بسامدترین مختصات ادبی غزلیات اوست. ۲۵۲۰؛ یعنی ۶۳ درصد از آرایه های بیانی بکاررفته در غزلیات هدایت تشبیه است و همین امر هدایت را به عنوان شاعری تصویرگرا معرفی میکند. از این تعداد تشبیه، ۵۸ درصد، تشبیهات حسی به حسی است که بیانگر دیدگاه حسی و طبیعت‌گرای اوست. از میان اقسام تشبیه، تشبیه بلیغ و تشبیه تفضیل از بسامد بالایی برخوردار است. در غزلیات هدایت ۲۴ درصد استعاره بکاررفته است که از این تعداد ۸۷ درصد استعاره مصرحه و ۱۳ درصد استعاره

مکنیه است. در کنایه، کنایه‌مصدر یا فعل و در مجاز، مجاز به علاقه‌حال و محل بالاترین درصد کاربرد را به خود اختصاص داده‌اند. غزل هدایت هرچند رویکردی بازگشتی دارد ولی نمیتوان تمام شعر او را فاقد ارزش هنری دانست زیرا در میان قالبهای شعری دوره بازگشت، شاعر در غزل بهتر توانسته است از تجربه‌های تلخ و شیرین خود در آن روزگار سخن بگوید و سبک اصیل شعر بازگشت در غزل آن متجلی است.

فهرست منابع

۱. آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس، ۱۳۸۱، چاپ هجدهم (ویرایش سوم)، تهران: فردوس.
۲. ادوار شعر فارسی (از مشروطیت تا سقوط سلطنت)، شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۰، تهران: سخن.
۳. برهان قاطع، محمدحسین بن خلف، ۱۳۶۲، تهران: امیرکبیر.
۴. بلاغت تصویر، فتوحی، محمد، ۱۳۸۵، تهران: سخن.
۵. حدیقه‌الحقیقه و شریعه‌الطریقه، سنایی، ابوالمجد مجدودبن آدم، ۱۳۸۳، تصحیح مدرس رضوی، چاپ ششم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۶. دیوان حافظ، ۱۳۶۸، با مجموعه تعلیقات و حواشی علامه قزوینی، چاپ دوم، تهران: اساطیر.
۷. دیوان سنایی، سنایی، ابوالمجد مجدودبن آدم، ۱۳۸۰، به سعی و اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سنایی.
۸. ذهن و زبان حافظ، خرمشاهی، بهالدین، ۱۳۷۸، تهران: صدای معاصر.
۹. سبک‌شناسی شعرپارسی از رودکی تا شاملو، غلامرضایی، محمد، ۱۳۸۷، چاپ سوم، تهران: نشر جامی.
۱۰. فارسنامه ناصری، حسینی فسایی، حسن، ۱۳۷۸، به کوشش دکتر منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.
۱۱. فرهنگ فارسی معین، معین، محمد، ۱۳۸۴، تهران: نامن.
۱۲. کلیات دیوان، قآنی، حبیب‌الله شیرازی، ۱۲۷۳، چاپ تاجر شیرازی.
۱۳. کلیات سعدی، سعدی، مصلح‌الدین، ۱۳۶۶، تصحیح مرحوم محمدعلی فروغی، تهران: ققنون.
۱۴. کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس، ۱۳۷۴، چاپ سوم، تهران: فردوس.
۱۵. لغتنامه دهخدا، دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، دانشگاه تهران: موسسه لغتنامه دهخدا.
۱۶. مجمع‌الفصحی، هدایت، رضاقلی خان، ۱۳۴۰-۱۳۳۶، به کوشش دکتر مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.

۱۷. مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه، عزالدین کاشانی، محمودبن‌علی، ۱۳۸۶، به تصحیح جلال‌الدین همایی، چاپ هفتم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۸. مکتب بازگشت (بررسی شعر دوره‌های افشاریه، زندیه، قاجاریه)، لنگرودی، شمس، ۱۳۷۲، تهران: مؤلف.
۱۹. مکتب وقوع در شعر فارسی، گلچین معانی، احمد، ۱۳۷۴، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۰. موسیقی شعر، محمدرضا، شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳، چاپ چهارم، تهران: آگاه.

* برای کوتاه نوشت عدد سمت چپ شماره غزل و عدد سمت راست شماره بیت در غزلیات هدایت است.